

مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر اردبیل در دوره صفویه

محمدتقی پیربابائی* - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

احد نژاد ابراهیمی - دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

سامان ابی زاده - دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۹

چکیده

شهر اردبیل، با ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن، نمونه مهمی از شهرهای تاریخی ایران است که تحلیل تحولات کالبدی آن نیازمند اتخاذ رویکرد پژوهشی جامع‌تری است. این شهر در دوره صفویه تبدیل به خاستگاه فرهنگی حکومت صفویان گردید و در این دوره الهام‌بخش تحولات سایر شهرهای ایران قرار گرفت، تحولاتی که ریشه در فرهنگ ویژه به وجود آمده در اردبیل داشت. رویکرد نظری این پژوهش، واقع‌گرایی فرهنگی است که در آن فرهنگ، بنیاد زندگی و نظم شهری بوده و کالبد، عامل خلق نظم و انسجام اجتماعی قلمداد می‌شود و هیچ‌وقت مستقل از هم نخواهند بود. سازمان‌دهی ساختار شهر هم‌زمان با سازمان‌دهی معنا صورت می‌گیرد که به‌طور نظام‌مندی با فرهنگ پیوند یافته‌اند. بدین لحاظ هدف اصلی این پژوهش، تبیین مدل مفهومی فرهنگ شهر اردبیل و مؤلفه‌های آن در دوره صفویه است که با راهبرد پژوهش پس‌کاوی انجام می‌شود. در این راستا ابتدا با استفاده از مدل مفهومی مکان کانتور، در شهر اردبیل دوره صفویه، با توجه به ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی شهر انطباق داده‌شده و مؤلفه‌های فوق‌تبییین فرهنگی شدند و از این طریق مدل مفهومی مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار شکل شهر اردبیل در این دوران به‌دست آمد. نتایج مطالعات حاکی از آن است که در تبیین فرهنگی مکان‌های شهری مهم، بازار به‌عنوان مرکز فعالیت، شکل دادن به کنش‌های شهری، بستر ساخت و آیین شهر بوده و بقعه شیخ صفی به‌عنوان ریشه و خاستگاه خاندان صفوی، نشانگر چیستی و هویت شهر بوده است. مسجد جمعه نیز که با پایه‌گذاری شهر توسط دولت‌ها ایجاد شده و تاریخ پر افتخاری داشته است، دلالت بر شکوه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اردبیل داشته است. این سه مؤلفه مهم در شکل‌گیری فرم کالبدی و همچنین فرهنگ شهر تأثیرگذار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های فرهنگی، شکل‌گیری شهر، دوره صفویه، شهر اردبیل

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری شهرسازی اسلامی نگارنده سوم با عنوان "تبیین الگوی فرهنگی تحول تاریخی شهرهای اسلامی (نمونه موردی: شهر اردبیل دوره صفوی) است که با راهنمایی نگارندگان اول و دوم مقاله در دانشگاه هنر اسلامی تبریز تدوین گردیده است.

*نویسنده مسئول:

مقدمه

در دوره‌های مختلف تاریخی، فرهنگ‌ها و ساخت‌های متفاوتی از فضاهای شهری مشاهده می‌شود. فرهنگ شهر در هر دوره از تاریخ، از سوی شکل‌دهنده به شهر و از سوی دیگر متأثر از وضعیت شهر بوده است. فرهنگ هر شهر هم محل تجلی شهر است و هم حامل حال و هوا و فضای معنایی است که شهر در درون آن توسعه و تحول می‌یابد. از این رو راهبرد اساسی برای شناسایی فرهنگ شهری، توجه به انواع یا اشکال گوناگون شهر در طول تاریخ است. فرهنگ شهری، به ویژگی کیفی تجربی در فضای شهر اشاره دارد. ارتباط میان وجوه عینی، اجتماعی و ذهنی فرهنگ در فضای شهر از یک سو و از سوی دیگر وجوه کیفی فضا که ناشی از تعامل شهروندان از تاریخ و مفاهیم فرهنگی و یا زندگی روزمره فضای فرهنگی شهر است.

شهرهای ایران در طول تاریخ دارای فرهنگ و ساختار شکوهمندی بوده است و در عین حال از فرهنگ‌ها و حکومت‌های مختلف نیز تأثیر پذیرفته‌اند. این تأثیرپذیری در دوره‌های قبل و بعد از اسلام به شیوه‌های مختلف صورت پذیرفته است. در دوره حکومت صفویان که دارای اندیشه‌های شیعی خاص خود بودند، شهرها هم از منظر کالبدی و هم از منظر معنایی تحول زیادی یافتند. صفویان از سال ۹۰۷ تا ۱۱۴۸ ق در ایران حکومت کردند. این دوره درخشان‌ترین دوره تاریخ معماری و شهرسازی ایران است. در این دوره شهر اردبیل اوج شکوفایی و مدنیت خود را داشت و پیدایش و ظهور خاندان صفویه تأثیرات زیادی بر روی شهر گذاشت (رضازاده و پیغامی، ۱۳۸۸). اردبیل عصر صفوی به مثابه مکانی بوده که فردی پارسا در آن آرمیده بوده و سپس فرزندان او مردم را به دین حق دعوت می‌کنند. اردبیل در عهد صفویان آباد و با اهمیت بوده است چرا که وجود بقعه شیخ صفی، شهر اردبیل را به یکی از شهرهای مذهبی مهم ایران در آن زمان تبدیل کرده بود. آدام اولتاریوس سیاح آلمانی که در دوره صفویه در سال ۱۰۴۶ هجری به شهر اردبیل سفر کرده، شرح مفصلی درباره این شهر نوشته است. مهم‌ترین نکته در شهرسازی دوره صفویه، زبان مجازی و رمزی معنای درونی آن است، که منبث از فرهنگ ایرانی است (حبیب، ۱۳۸۸). با نگاه فرهنگی به تحولات تاریخی شهرهای ایران، پرسش اصلی تحقیق حاضر این است که در اردبیل دوره صفویه کدام مؤلفه‌های فرهنگی بر شکل‌گیری شهر تأثیر داشته است؟

پژوهش‌های انجام شده در شهرسازی و همچنین بررسی تحولات تاریخی شهرها اغلب از منظر فیزیکی و عینی و یا صرفاً مفهومی و معنایی بوده و از تحلیل همه جانبه شهر غفلت شده است. در این تحقیق جهت یافتن پاسخ پرسش فوق، تلاش می‌شود با رویکرد فرهنگی واقع‌گرا، ضمن بررسی ابعاد کالبدی شهر، معناهای فضاها نیز کشف شود و در انطباق آن‌ها، مدل مفهومی فرهنگ شهر اردبیل و مؤلفه‌های آن در دوره صفویه تبیین گردد.

مبانی نظری

فرم شهری بر اساس دو دسته از عوامل شکل‌گرفته است. دسته اول عوامل ملموس قابل رؤیت هستند که شامل ویژگی‌های فیزیکی مانند معماری، جغرافیای، اقلیم و ... می‌شود. دسته دوم مربوط به عوامل ناملموس و غیرقابل رؤیت مانند عوامل فرهنگی و مذهبی می‌باشد. لذا فرم شهر برآیند نیروهای مختلفی است که تنها در بردارنده جنبه ظاهری و شکلی نیست. به عبارتی فرم شهر نتیجه برآیند نیروهایی است که نه تنها جنبه کالبدی و فضایی دارند، بلکه غیرفضایی نیز هستند. به عبارتی کالبد شهر، اثر و ردپای تمایلات و فعالیت‌های انسانی است. بنابراین همان‌طور که فرم مصنوع را می‌توان مربوط به یک دوره تاریخی خاص شمرد، می‌توان آن را حاصل فعالیت‌هایی دانست که در آن انجام می‌گیرد و برای جای دادن به آن‌ها طراحی شده است (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵). پس فرم شهر حاصل تعامل میان نیروها و عوامل سازنده آن است.

با نگرش فرهنگی به موضوع پژوهش و بررسی شهر از دیدگاه فرهنگی به دسته‌بندی تأثیرات فرهنگ در شکل‌گیری ساختار و کالبد شهر پرداخته می‌شود. سازمان‌دهی ساختار شهر هم‌زمان با سازمان‌دهی معنا صورت می‌گیرد که این معانی

به‌طور نظام‌مندی با فرهنگ پیوند یافته است. علاوه بر معنا و ویژگی‌های عملکردی و فرمی مکان شکل‌گیری معنا نیز قابل بررسی است. در این بخش پس از تحلیل فرهنگ در شهر به بررسی مکان گسترش آن پرداخته می‌شود.

رویکرد فرهنگی

فرهنگ به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده رفتاری همواره در عرصه اجتماع مطرح است. فرهنگ یکی از مقوله‌های پیچیده جوامع انسانی است که در گستره تاریخ همواره با چالش‌های فراوانی مواجه بوده است. این‌که در یک جامعه فرهنگ در اثر چه عواملی باعث بی‌ثباتی شده و دستخوش تغییر و تحول می‌شود؛ یا این‌که ثبات و پایدار باقی می‌ماند. در این راستا در حوزه‌های مختلف مؤلفه‌های فرهنگی موردبررسی و واکاوی قرار می‌گیرد.

از طرفی با توجه به وجود نسبت و رابطه میان فرهنگ و کنش، می‌توان فرهنگ را بنیاد زندگی اجتماعی دانست. اگر زندگی اجتماعی چیزی جز مجموعه کنش‌های بسیار پرشمار و گوناگون نباشد، کنش تابعی از فهم‌ها یا نظام‌های مفهومی فردی باشد و نظام‌های مفهومی فردی نیز از نظام‌های مفهومی مشترک یا فرهنگ اخذ شده باشد فرهنگ نقش بسیار تعیین‌کننده در زندگی اجتماعی دارد. بنابراین، شناخت بهتر زندگی اجتماعی در گرو شناخت بهتر فرهنگ است (هال، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۲). فرهنگ شهر در دوره از تاریخ، از سوی شکل‌دهنده به شهر و از سوی دیگر متأثر از وضعیت شهر بوده است. فرهنگ هر شهر هم محل تجلی شهر است و هم حامل حال و هوا و فضای معنایی است که شهر در درون آن توسعه و تحول می‌یابد. از این‌رو راهبرد اساسی برای شناسایی فرهنگ شهری، توجه به انواع یا اشکال گوناگون شهر در طول تاریخ است.

مطالعات فرهنگی

«فرهنگ» یکی از دشوارترین مفاهیم در علوم انسانی و اجتماعی است و به گونه‌های بسیار متفاوت تعریف شده است. با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی تحلیل معنا و مفهوم عناصر ساختاری شهر انجام خواهد شد. و بررسی مفاهیم و معانی کالبدی شهر اردبیل انجام شده خواهد شد.

فرهنگ گونه‌ای عالم است. در این عالم اموری به‌ظاهر پراکنده وجود دارد. فلسفه فرهنگ می‌کوشد این کلیت را به‌عنوان سیستم و اندام درک کند. اجزای سازنده فرهنگ وحدت کیفی ندارد. فرهنگ پویاست. خود این پویایی ناشی از عناصر و اجزای متنوع و گاه متفاوتی است. فرهنگ را باید همچون فرآیند دیگر عناصر فرهنگ دید. با آن‌هاست که انسان جهانی رامی‌سازد که آن را مطلوب تصور می‌کند. فلسفه فرهنگ می‌خواهد این فرآیند و عالمی را که با آن پدید می‌آید، کشف و درک کند (مصلح: ۱۳۹۲: ۲۴۶).

فرهنگ؛ مجموعه باورها، دانش‌ها، معارف، آداب، رسوم و ارزش‌هایی است که جامعه‌ای بر مبنای اعتقادات خود آن را تکامل بخشیده و بر اساس آن مجموعه مشی می‌نماید و در این روند هدف او رسیدن به تعالی و تکاملی است که جهان‌بینی‌اش برای او تعریف و تبیین نموده است (نقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۶۳). در نتیجه فرهنگ ایرانی را می‌توان به‌اجمال مجموعه‌ای از باورها و دانش‌ها، معارف، آداب، رسوم و ارزش‌هایی دانست که جامعه مسلمان ایران به آن‌ها ارج می‌نهد، در جهان به آن‌ها شناخته می‌شود و ملاک و معیار روش زندگی او است.

در بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فرهنگ، بررسی سه عامل مهم نحوه زندگی، اعتقادات انسانی و شرایط تاریخی و جغرافیایی ضروری به نظر می‌رسد. از بررسی رابطه به‌هم‌پیوسته و تنگاتنگ این سه عامل می‌توان به نحوه به وجود آمدن محیط شهری بر اساس تفکر، فرهنگ و اعتقادات مردم آن شهر دست یافت.

در یک تعریف جامع، می‌توان گفت شکل شهر، تبلور فضایی و شکلی حیات مدنی- اجتماعی شهر و فعالیت‌های جوامع شهری در مکان و زمان بوده که در ترکیبی از ذهنیت و عینیت، ماهیتی ترکیبی و فرا دویعدی یافته است (دانشپور و روستا، ۱۳۹۱: ۴۹). از سوی دیگر بریملی معتقد است شکل شهر با الگوهای جدید توسعه که بازتاب شرایط اقتصادی، تکنولوژیکی و حمل‌ونقلی است در یک چارچوب رقابتی در حال تغییر است (Bramley, 2005: 355) بنابراین هر شهر به فراخور ویژگی‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فرم خاص خود را شکل می‌دهد. برای نمونه

فرم شهر پیش از مدرن محصول فرآیندی است که در شهر در جریان بوده است. اما آنچه در روند مدرنیته برای شهر اتفاق افتاده است، خلق فرمی است که کارکرد مورد انتظار از شهر را تا پایین‌ترین سطوح خود تنزل داده است (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳). موضوع این پژوهش بررسی الگوهای فرهنگی و تأثیر آن بر شکل‌گیری شهرها با تأکید بر شهر اردبیل در دوره صفویه است. لذا در ادامه به بررسی رابطه فرهنگ و تأثیر آن بر شکل‌گیری شهرها پرداخته می‌شود. در بررسی رابطه محیط انسان‌ساخت و فرهنگ سه رویکرد مطرح است. در رویکرد اول، شهر به‌مثابه یک پدیده جغرافیایی - مکانی در یک تصویر الگوواره، در مقوله یا گونه‌ای خاص قرار می‌گیرد و شهر با خصوصیتی کاملاً فرهنگی، خود را به‌مثابه «جهان خرد» یا یک «شهر جهانی» به نمایش می‌گذارد. رویکرد دوم، با اتکا به روانشناسی محیطی، تأثیر متقابل محیط و فرهنگ انسانی را در قالب ویژگی‌های محیط کالبدی، فعالیت‌های انسانی و خصوصیات فرهنگی جامعه بررسی می‌کند. رویکرد سوم شهر را به‌عنوان سازان اجتماعی فضایی، تولید کنند فرهنگ و بستر مناسبی برای فرایند «فرهنگ‌سازی» معرفی می‌کند (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲). درک کامل یک ساخت و یک نظام اقتصادی بدون دانستن پایه و اصول فرهنگی آن نظام میسر نیست (زیاری، ۱۳۸۲: ۹۷). فرهنگ یک جامعه نوع اقتصاد، و اقتصاد آن جامعه نوع تکنیک، و نوع تکنیک، ساخت و نظام کالبدی آن جامعه را مشخص می‌سازد (همان). در این چارچوب مطالعات نشان می‌دهد که فرهنگ‌های متفاوت، نظام‌های اقتصادی متفاوتی را خلق می‌کنند و توان تغییر اهداف اقتصادی و سیاسی یک جامعه را دارند.

بنابراین عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری محیط فیزیکی شهرها تأثیر زیادی دارند. به این معنا که محیط فیزیکی شهر منعکس‌کننده ویژگی‌های فرهنگی مردم و جامعه شهری است و همچنین بیان‌کننده این مسئله است که طراحی‌های جدید نیز باید بر اساس عوامل فرهنگی و اجتماعی باشد (Fatani et al, 2017: 858). بنابراین می‌توان گفت ویژگی‌های فرهنگی جامعه همچون روحی در کالبد مکان نفوذ می‌کند، در آن تجلی می‌یابد و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می‌سازد. معماری، شیوه‌های کشت و زرع، نوع و شکل سکونتگاه‌های انسانی، ساخت راه‌ها، از پدیده‌های انسانی متأثر از فرهنگ هستند. این ویژگی‌های فرهنگی به‌نوبه خود از باورها، اعتقادات، آداب‌ورسوم، و ارزش‌های هر جامعه که وابسته به مکان و زمان هستند تأثیر می‌پذیرند (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۵۳).

تاریخ فرهنگی

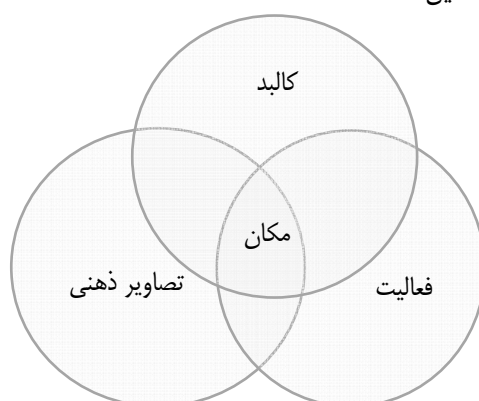
تاریخ فرهنگی نوعی شیوه تحلیل یا رویکرد خاص به جامعه است. تاریخ فرهنگ آنجا بروز می‌کند که تاریخ به‌مثابه ماده تاریخی مدنظر باشد، اما تاریخ فرهنگی آنجا رخ می‌نماید که تاریخ به یک ابزار و روش تحلیل و شناخت تبدیل شود. بنابراین تاریخ فرهنگی به‌موجب آن که تاریخ را به‌مثابه ماده تاریخی در نظر می‌گیرد، فرهنگ را به‌منزله یک کل نگاه می‌کند، بدون آن که چندان به مؤلفه‌ها و اجزای آن بپردازد؛ اما تاریخ فرهنگ ناظر است به سیر شکل‌گیری، تحول، تکامل و دگرگونی فرهنگ و درواقع، نوعی شناخت توصیفی - روایی و تا حدودی تلقی تحلیلی از فرهنگ است (فاضلی، ۱۳۹۳: ۶۰-۶۱). در دهه‌های اخیر با گسترش رویکرد فرهنگی در فهم و مدیریت شهر مباحث مناسب بین انسان و شهر در کانون مباحث مطالعات شهری قرار گرفته است. فرهنگ شهر در دوره از تاریخ، از سوی شکل‌دهنده به شهر و از سوی دیگر متأثر از وضعیت شهر بوده است. فرهنگ هر شهر هم محل تجلی شهر است و هم حامل حال و هوا و فضای معنایی است که شهر در درون آن توسعه و تحول می‌یابد. از این‌رو راهبرد اساسی برای شناسایی فرهنگ شهری، توجه به انواع یا اشکال گوناگون شهر در طول تاریخ است (فاضلی، ۱۳۹۴: ۶۵). رویکرد به تاریخ شهر و تاریخ فرهنگی یک نوآوری تاریخی است که با کاربست رویکرد گرایانه درک ما را از تحولات تاریخی و دگردیسی شهر بسیار افزوده است. در رویکرد تاریخ فرهنگی سعی بر تبیین آن است که تاریخ به یک ابزار و روش شناخت تبدیل شده است و فرهنگ به‌منزله یک کل نگاه می‌شود و به مؤلفه‌های فرهنگی با استفاده از مدار فرهنگی پرداخته شود.

ساختار و مؤلفه‌های مکان

مکان بخشی از فضا است که توسط حضور شخص یا چیزی بار معنایی به خود می‌گیرد، به بیان دیگر، مکان ترکیبی است از خاطره، تجارب حسی و روایت‌ها، اما فضا موقعیت جغرافیایی است که می‌توان آن را با مشخصات رقومی مانند طول و عرض جغرافیایی معرفی کرد (یزدانی، ۱۳۸۹). فضا، نظیر هر پدیده‌ای، که در رده عینیت قرار می‌گیرد، دارای فرم و عملکرد می‌باشد. در واقع فضا با دو خصوصیت (فرم و عملکرد) قابل‌شناسایی است.

در ذهن علاوه بر ویژگی‌های عملکردی و فرمی فضای نام‌برده شده، معنای دیگری نیز می‌تواند متصور گردد. معنایی که در ذهنیت انسان وجود داشته و انسان را به گذشته متصل می‌گرداند. از این رو چنانچه فضا برای انسان معنای خاصی به همراه داشته باشد و در ذهن، خاطراتی را ایجاد کند، ذهنیت جای خود را باز می‌کند و فضا از پدیده‌ای عینی به موجودی ذهنی، تبدیل می‌گردد که «مکان» نام دارد، نکته مهم این است که ذهنی بودن مکان به معنای آن نیست که مکان فاقد فرم و عملکرد است، بلکه مکان عینیتی است که علاوه بر فرم و عملکرد دارای ویژگی‌های معنایی نیز می‌باشد در واقع مکان محل تلاقی فرم، عملکرد و معنای فضا می‌باشد. رلف^۱ معتقد است که یک مکان موقعی فراتر از یک فضا است که واجد سه خصوصیات محدوده کالبدی، فعالیت و معنا باشد (Relph, 1976). رلف معنای مکان را در تصویرهای ذهنی و خاطره‌های مردم آن را مؤثرترین عامل در هویت مکان می‌داند. «تا زمانی که معنای مکان‌ها در ساختار فیزیکی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی‌شود، بلکه باید معنا را در تصویرهای ذهنی و تجربه‌های انسان‌ها از مکان جستجو کرد.» (حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۳).

مدل دیوید کانتر^۲ (۱۹۷۷)، یکی از چارچوب‌های نظری کارآمد که قادر به تبیین مؤلفه‌های مکان است، محسوب می‌شود. بر اساس مدل مزبور، که به مدل مکان شهرت دارد محیط شهری به‌مثابه مکان متشکل از سه بعد و مؤلفه درهم‌تنیده کالبد (فرم)، فعالیت و تصورات ذهنی است. مؤلفه کالبدی - فضایی یا فرم که بیانگر خصوصیات فیزیکی مکان؛ مؤلفه جمعی - رفتاری که بیانگر رفتار و فعالیت‌های انسانی حادث در فضا و مؤلفه ادراکی - دریافتی که بیانگر مفاهیم و توصیفات کاربران مکان می‌باشد. این مفاهیم از یک سو بر اساس اطلاعات دریافتی از محیط شکل می‌گیرند و از سوی دیگر مبنای عمل هر فرد در مکان می‌شوند. بدین لحاظ، مکان از سه سامانه و مؤلفه مرتبط به هم (شکل ۱) که بدان معنا و مفهوم خاص می‌بخشند تشکیل شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی مکان و اجزای آن

مأخذ: Canter, 1977

^۱ Relph

^۲ Canter

روش تحقیق

این پژوهش با اتخاذ رویکرد واقع‌گرایانه، از استراتژی پس‌کاوی استفاده می‌کند. استراتژی پژوهش پس‌کاوی که بر اساس یک منطق چرخشی و یا دورانی به وجود آمده است، با یک نظم مشاهده‌شده آغاز می‌شود، اما در پی نوع متفاوتی از تبیین است. این امر با پیدا کردن ساختار(ها) یا مکانیسم(های) واقعی زیربنایی که عامل خلق یک نظم مشاهده‌شده هستند، به دست می‌آید (بلیکی، ۱۳۹۲: ۲۳).

بر اساس نظر باسکار (۱۹۹۸)، نظریه‌پرداز رویکرد واقع‌گرایانه انتقادی، منطق پس‌کاوی، به فرآیند ایجاد مدل‌های فرضی از ساختارها و مکانیسم‌هایی اطلاق می‌شود که فرض می‌شود پدیده‌های تجربی را به وجود می‌آورند. بدین منظور، ابتدا مدلی از ساختارها و مکانیسم‌های پدیده مورد نظر ساخته می‌شود. سپس اقدام به آزمون مدل فوق‌نموده و پیامدهای دیگر مدل را کشف می‌کنیم (بلیکی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). به باور باسکار شکل‌گیری معرفت به این صورت شبیه جدا کردن لایه‌های پیاز است. "به محض اینکه مجموعه‌ای از ساختارها و مکانیسم‌ها بدیهی و آشکار شوند، ساختارها و مکانیسم‌هایی که در سطوح پایین‌تر قرار دارند، همین فرآیند را تجربه می‌کنند. همان‌گونه که لایه‌های واقعیت آشکار می‌شوند، تمایز بین حوزه‌های بالفعل و واقعی مدام تغییر می‌یابد. از این رو واقعیت دارای عمق هستی‌شناختی است" (Bhaskar 1998: 15). مدل در این رویکرد، تصویری است که در نظر دارد یک مکانیسم تبیینی را نشان دهد. این نوع مدل، چگونگی مکانیسم را نشان داده و به محقق در جستجوی این مکانیسم‌ها کمک می‌کند.

برای دستیابی به مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر ابتدا مؤلفه‌های مدل مکان کانتز، که برای مطالعه ساختارهای شهر از کارآمدترین مدل‌ها است، را در شهر اردبیل دوره صفویه مورد مطالعه قرار داده و سپس در ادامه آن مؤلفه‌ها با رویکرد فرهنگی تبیین گردیده و مدل مفهومی فرهنگ شهر اردبیل ارائه می‌شود.

ویژگی‌های کالبدی شهر اردبیل در دوره صفویه

در دوره صفویه اردبیل از شهرهای مهم آذربایجان به شمار می‌رفته است. تحولات کالبدی شهر در این دوره و همچنین ویژگی‌های اجتماعی شهر حائز اهمیت است. در این قسمت به بررسی ویژگی‌های شهر اردبیل در دوره صفویه و همچنین وضعیت کالبدی-سیاسی، فرهنگی و نوع مناسبات اجتماعی درون‌شهری آن پرداخته خواهد شد.

ویژگی‌های کالبدی شهر اردبیل در سفرنامه اولناریوس

در اوایل قرن هشتم شیخ صفی‌الدین، اردبیل را مرکز خود قرار داده و در اوایل قرن نهم شاه اسماعیل که از نوادگان او بود، بعد از تبعید از گیلان به اردبیل آمد و سلسله صفویه را بنیان و کمی پس‌از آن در تبریز عنوان شاهی گرفت. با روی کار آمدن حکومت صفویه تحولات کالبدی شهر به موازات تحولات اقتصادی اجتماعی، شتاب و سرعت قابل توجهی می‌یابد. اردبیل در دوران صفویه اوج شکوفایی مدنیت خود را داشت و پیدایش و ظهور خاندان صفوی تأثیر فراوانی بر سیما و کالبد شهر گذاشت. مثل ساخت خانقاه‌ها و زوایا و مقابر پیران، از جمله ایجاد مجموعه شیخ صفی‌الدین و از طرفی نیز قرارگیری بر سر راه جاده ابریشم، اردبیل را به اوج رونق خود در دوران اوایل و اواسط صفویه رساند. ارتباط جمعه مسجد و بقعه شیخ صفی توسط بازار و راسته‌هایی که به مرکز محلات ختم می‌شد، قوت بیشتری گرفت. در دوره صفویه اردبیل اولین شهر از نظر لوله‌کشی آب و نحوه تقسیم آن محسوب می‌شد. اما در اواخر صفویه کم‌کم رونق خود را از دست داد و مسئله حیدری و نعمتی باعث دوگانگی در محلات شد که منجر به فشردگی کالبد محلات و عدم گسترش و توسعه آن‌ها گردید (رضازاده اردبیلی و پیغامی، ۱۳۸۸: ۷۶). بر اساس مطالعات انجام‌شده بر روی نقشه ترسیمی آدام اولناریوس و سفرنامه وی، مجموعه عناصر کالبدی شهر اردبیل در دوران صفویه شامل بناهای تاریخی، حمام‌های تاریخی، پل‌های تاریخی و بازارهای تاریخی می‌شود. این عناصر کالبدی در جدول شماره ۲ ارائه شده است.



شکل ۲- اردبیل صفوی (۱۶۳۷م) ترسیم دستی از آدام اولتاریوس
 مأخذ: اولتاریوس ۱۱۷۷ش-۱۰۷۸ش، شاه محمد اردبیلی، ۱۳۹۵

جدول ۲- عناصر کالبدی شهر اردبیل در سفرنامه اولتاریوس دوره صفویه

عناصر کالبدی شهر		بندی تاریخی
مزار پرشکوه شیخ صفی آخرین پادشاهان ایران در دوره صفویه، اولین در که به حیاط جلویی باز می‌شد بسیار بزرگ بود و در بالا، از پهنای این در یک زنجیر نقره‌ای سنگین با زنجیر نقره‌ای دیگری صلیب وار آویزان بود، این حیاط بسیار وسیع و با سنگ‌های مکعب فرش شده بود. پشت حیاط، باغ بزرگی بود. در قسمت راست این حیاط قناتی با آب زلال دیده می‌شد و با یک شیر بزرگ مسین که به دیوار کار گذاشته بودند از آب آن استفاده می‌کردند.	بقعه شیخ صفی	
از اقدامات مهم شهرسازی و معماری صفویان در اردبیل تجدید بنای فعلی بازار است که در آن دوره به اوج وسعت و رونق خود رسیده بود. شهر اردبیل با عنایت بر اینکه در مسیر جاده ابریشم قرار داشته مهر و مومها از موقعیت بازارهای وسیع و پر رونق قاره‌ای برخوردار بوده است؛	بازار	
بزرگ‌ترین و زیباترین مسجد اردبیل، مسجد آدینه است که بر فراز تپه‌ای تقریباً در میان شهر قرار دارد و دارای گلدسته‌ای نسبتاً بلند و مرتفع است و برج بلند و گردی بر تارک خود دارد.	جمعه مسجد	
رودخانه بالخلی جای همچون حصاری مهم شهر را از قسمت جنوب در مقابل مهاجمین حفاظت می‌نموده است. ارتباط شهر با نقاط بیرون شهر از طریق پل‌ها برقرار می‌شده است. پل‌ها که در نقشه اولتاریوس: هفت پل، حیدر علی، یعقوبیه، برکیفی، زاغانان، پل هفتان	پل‌ها	
از مهم‌ترین حمام‌های قدیمی اردبیل که واجد ارزش‌های معماری و تاریخی بوده‌اند، حمام میرزا حبیب (پیرعبدالملک)، حمام پیرزرگر، حمام حاج محسن (ملاهادی)، حمام منصوریه، حمام پیر و حمام آقانی را می‌توان نام برد.	حمام‌ها	

مأخذ: نگارندگان بر اساس شاه محمد اردبیلی ۱۳۹۵

یکی از عناصر کالبدی و فضاهای شهر اردبیل در دوره صفویه که در سفرنامه اولتاریوس آمده است و تحت تأثیر فرهنگ این دوره شکل گرفته‌اند، محله‌های این شهر تاریخی است. در شهرهای ایران و بسیاری از بلاد اسلامی محله‌ها واحدهای اصلی روابط اجتماعی و فرهنگی در شهر بودند و بیش از هر واحد دیگر شهری، همبستگی، یگانگی و همسانی قومی و خانوادگی داشته‌اند که در روابط صمیمانه و نزدیک بودند و هر شهر مجموعه‌ای بوده است. از اجتماعات کوچک محله‌ای با تمام مشخصات یک واحد جامعه‌شناختی که فرد در آنجا احساس تنهایی و انزوا و بیگانگی نمی‌کرده و بی‌نام و نشانه زندگی نمی‌نموده و در حفظ آداب و سنت و اخلاق محله کوشا بود (توسلی، ۱۳۸۶، ۱۱۵). در شهر اردبیل محلات و کوچه‌های بخش شرقی و جنوب بافت کهن اردبیل در دوره صفویه با الهام از اصطلاحات عرفانی و صوفی‌گری نام‌گذاری شده‌اند. مانند پیر شمس‌الدین، پیر زرگر، پیر عبدالملک، پیر سحران و یا سلیمان شاه، عبدا...شاه، اقلیم شاه

و ... در صورتی که محلات و کوچه‌هایی که در اواخر دوره قاجاریه ایجاد شده‌اند تحت تأثیر و نفوذ آقا میرزا علی اکبر روحانی منتفذ دوره قاجاریه در اردبیل نام‌گذاری گردیده‌اند، به طوری که همه آن‌ها دارای پسوند یه می‌باشند مانند کوچه‌های قاسمیه، اکبریه و منصوریه، حسینیه و ... این محلات در حال حاضر در بخش شمال و شمال غربی بافت کهن اردبیل قرار دارد.

گسترش شهر اردبیل همان‌گونه که توصیف شد، از گذشته تاکنون از الگویی منطقی پیروی کرده و شهر به شش محله بزرگ و اصلی به نام‌های تابار، اوچدکان، پیر عبدالملک، در منطقه حیدری و گازران، سرچشمه، عالی قاپو در منطقه نعمتی تقسیم می‌گردیده که به دلیل ساختار شعاعی بافت، محله دیگری بر آن‌ها افزوده نمی‌شود و نظام توسعه آن‌ها به شکل گیری زیر محلات تحت مرکزیت این سر محلات شش‌گانه، دنبال می‌گردد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱).

ویژگی‌های اجتماعی شهر اردبیل در دوره صفویه

شهر اردبیل یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران به شمار می‌رود. این شهر در طول تاریخ سیاسی خود قرن‌های متمادی مرکز آذربایجان و زمانی پایتخت کشور ایران بوده است (جامعی، ۱۳۷۲: ۹). از بررسی اسناد و مدارک تاریخی چنین نتیجه گرفته می‌شود که شهر اردبیل در طول تاریخ شاهد ورود و سکونت اقوام بسیاری بوده است (به آذین، ۱۳۸۲: ۲۰). اردبیل در قرن پنجم و ششم به علت موقعیت جغرافیایی از جانب سرزمین‌های جنوبی روسیه مورد تهاجم بوده و پس از مدتی گرفتار تاخت‌وتاز مغولان شده است با ظهور شیخ صفی‌الدین اردبیلی، که در عصر او اردبیل گذشته از سابقه و اهمیت تاریخی با عنوان مذهبی دارالارشاد اشتهار بیشتری یافت. این شهر در عصر صفوی به‌مثابه مکانی مقدس برای خاندان صفوی، همواره مرکز تجمع صوفیان بود. پادشاهان صفوی نیز پس از مرگ در این شهر و در کنار مرقد شیخ صفی به خاک سپرده شدند (صفری، ۱۳۷۰: ۸۴-۸۵).

در اردبیل با نفوذ و قدرتی که فرزندان شیخ صفی‌الدین به دست آوردند، شیعه‌گری رواج یافت جنید و شیخ حیدر صفوی در زمان خود به حمایت از آن مذهب برخاستند. شاه اسماعیل بعد از آنکه بر اریکه قدرت تکیه زد، شیعه را مذهب رسمی ایرانیان گرداند. از آن تاریخ مردم این شهر مذهب شیعه اختیار کردند که تا این زمان نیز ادامه دارد. اردبیلی‌ها به‌ویژه در عهد صفویه، نسبت به مذهبشان سخت متعصب بودند اما در عین آنکه در انجام وظایف دینی تعصب خاصی داشتند با دارندگان مذاهب دیگر با لطف و رأفت رفتار نموده و در حق آنان احترام را رعایت می‌کردند. این امر علاوه بر رشد فکری آنان، معلول موفقیت مهم اقتصادی و تجاری این شهر نیز بود.

اردبیل عرصه انجام بسیاری از فعالیت‌های هنری، فرهنگی، اجتماعی در طی ادوار گذشته بوده است که آموختن علم و دانش را میسر می‌نموده‌اند. و علاوه بر اهمیت داشتن به لحاظ مذهبی در سال ۱۰۳۸ ه.ق با توجه به قرار داشتن در محل تقاطع جاده‌های کاروان‌رو یکی از مهم‌ترین مراکز بازرگانی ایران گردید. سپس در سال ۱۰۵۷ ه.ق شاه‌عباس دوم به سلطنت رسید.

با مطالعه تاریخ می‌توان متوجه شد که در این زمان اردبیل به‌واسطه تجارت بزرگ ابریشم، و هم به‌واسطه مقبره شیخ صفی‌الدین، ساخت خانقاه‌ها و زوایا و مقابر پیران و وجود خاندان صفوی مشهور بوده است. و شهرسازی مدون آن بر مبنای پیوستگی فضاهای شهری و ساخت میدان‌ها بزرگ که در اطراف خود اصلی‌ترین اندام‌های درون‌شهری را جای‌داده بودند. و ارتباط جمعه مسجد و بقعه شیخ صفی توسط بازار و راسته‌های که به مرکز محلات ختم می‌شد، قوت بیشتری گرفت.

یافته‌ها

بر اساس راهبرد تحقیق پس کاوی، مؤلفه‌های مدل مکان کانتور در شهر اردبیل دوره صفویه با توجه به ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی شهر انطباق داده‌شده و مؤلفه‌های فوق تبیین فرهنگی می‌شوند تا از این طریق بتوان به مدل مفهومی مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار شکل شهر اردبیل در این دوران دست پیدا نمود.

تبیین فرهنگی کالبد شهر

در طول تاریخ ابعاد معنوی و فرهنگی و کیفی در تعریف شهر، نقشی شایان توجه ایفا نموده است، ضمن آن‌که؛ تحولات فکری جامعه بشری به همراه پیشرفت علوم و ارائه تئوری جدید، اهمیت ملحوظ داشتن و پرداختن به ابعاد کیفی و فرهنگی را بیش‌ازپیش روشن کرده است. یکی از مباحث، نگرش به شهر به‌عنوان موجودی زنده است، که درواقع بیانگر تجلی روح جمعی جامعه در کالبد و فضاهاى شهری و تنظیم بین آن‌ها می‌باشد (نقی زاده، ۱۳۸۳). شهر در معنای تاریخی خود، نقطه‌ای است که در آن حداکثر تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع متبلور می‌شود.

به تعبیر راپوپورت (که بر اهمیت زمینه فرهنگی در شکل شهر تأکید دارد) سازمان‌دهی محیط مصنوع، شامل سازمان‌دهی معنا نیز می‌شود که در آن ویژگی‌های کالبدی، خاصیت ارتباطی دارد. عناصر کالبدی در محیط، معانی متفاوتی دارند و این معانی به‌طور نظام‌یافته‌ای به فرهنگ پیوند خورده‌اند. مردم در مجموعه‌های کالبدی متفاوت هنجارهای رفتاری متناسب با آن را که توسط فرهنگ تعریف‌شده انجام می‌دهند (Rapoport, 1997: 24-26).

در تبیین فرهنگی، کالبد شهر، چیستی و هویت آن را نشان می‌دهد. هر فضایی با شدت و ضعف متفاوت واجد هویت است. هنگامی که از هویت شهر سخن گفته می‌شود، از چیزی صحبت می‌شود که در ظاهر و شکل شهر نیست بلکه در شاکله شهر است.

هویت هر شهر برگرفته از هویت مبتنی بر جهان‌بینی انسان است، می‌توان گفت که مقوله هویت کالبد شهر موضوعی کیفی و برخاسته از ارزش‌های والای انسانی است و حرکت، پویایی و استمرار واقع در ذات مفهوم هویت است که کالبد شهر را شکل داده است (حیب و نادری، ۱۳۸۷).

مؤلفه کالبدی شاخص و قابل تأمل دوران صفویه در شهر اردبیل که نشانگر چیستی و هویت آن بود، بقعه شیخ صفی‌الدین (شکل ۳) است که در این دوره موردتوجه ویژه صفویان قرار گرفته و به مجموعه‌ای از فضاهاى متعدد ولی همگرا با رویکرد دینی و سیاسی آنان بدل شد. دروازه عالی‌قاپو و میدان آن، عناصر تعریف‌کننده مجموعه و محله شیخ صفی بوده‌اند. آرامگاه شیخ صفی‌الدین و ساختمان‌های پیرامون آن در سده‌ی هشتم بنیاد نهاده شد، گرچه به گواهی آثار بازمانده، پیش از روزگار شیخ صفی در آنجا ساختمان‌هایی بوده است. ورودی اصلی بنا به میدان بزرگ و چهارگوش بنام میدان بازار باز می‌شده است. در این میدان فعالیت‌های بازرگانی صورت می‌گرفته است. سردر باشکوه اصلی بنا در این میدان بوده است. بررسی اجمالی کارکرد این مجموعه از زمان ساخت آن (قرن هشتم) به لحاظ ارزش، اهمیت، نقش و موقعیت خاص خویش به‌عنوان مجموعه‌ای از آرامگاه‌ها و قبرستان نه به‌عنوان تنها یک مرکز مذهبی، بلکه به‌عنوان یک عنصر و فضای شاخص شهری موردتوجه است. این مجموعه قدمت بسیاری داشته و همواره در چگونگی رشد و گسترش شهر تأثیر داشته و بسیاری از مسائل شهری را تحت تأثیر خود قرار داده است.



شکل ۳- بقعه شیخ صفی‌الدین ۱۸۹۷

مأخذ: ویور، ۱۳۵۶: ۱۱۰

تبیین فرهنگی فعالیت شهر

شهر بر اساس نیازها، فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنان آن شکل می‌گیرد. هر رفتاری که توسط انسان صورت می‌گیرد اساساً متکی به فرهنگ است و فرهنگ، به‌عنوان مجموعه دستاوردهای معنوی و مادی یک جامعه بر معماری و فضای شهری تأثیر می‌گذارد. در واقع آن‌ها تبلور عینی این ذهنیت هستند (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹: ۴). شهر در معنای تاریخی خود نقطه‌ای است که در آن حداکثر تمرکز قدرت و فرهنگ یکجا متبلور می‌شود. شهر شکل و نشانه روابط منسجم اجتماعی و جایگاه مراکز و فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ... است.

در تبیین فرهنگی، فعالیت شهر مربوط به کنش‌های مختلف آن می‌باشد که ساخت و آیین شهر بستر آن خواهد بود. فرهنگ نشان‌دهنده‌ی شیوه‌های انجام عمل، احساس و اندیشیدن خاص یک اجتماع بشری است. به نظر پارسونز، فرد به‌عنوان کنشگر اجتماعی دارای خلاقیت، اختیار و نیروی ارزشیابی است. اما این ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است که کنش وی را شکل می‌دهد (عزیزخانی، ۱۳۸۷). بورديو نیز معنایی را که عاملان برای کنش خود قائل‌اند، معنایی که کردارهای آن‌ها را هدایت می‌کند را مورد تأکید قرار داده و بیان می‌کند: "در جهان اجتماعی ساختارهای عینی مستقل از آگاهی و اراده عاملان وجود دارند که می‌توانند به کردارها و بازنمایی‌های آن‌ها جهت دهند یا آن‌ها را مقید سازند" (بونویتز، ۱۳۹۱: ۲۴).

مؤلفه فعالیت و کنش‌های اصلی دوران صفویه در شهر اردبیل که نشانگر ساخت و آیین شهر بود، مجموعه باشکوه بازار اردبیل (شکل ۴) است. مجموعه بازار و فضاها و عناصر پیرامون آن هسته مرکزی تاروپود ارگانیک شهر بوده است. این هسته مرکزی به‌مرور زمان گسترش یافته و علاوه بر اضافه کردن عناصر و فضاهای تجاری - بازرگانی به پیکره خود، سایر فضاها و عناصر لازم را نیز در کنار خود ایجاد کرده است.

مجموعه بازار تاریخی اردبیل یکی از قطب‌های مهم بافت کهن شهر اردبیل است. شهر اردبیل علاوه بر اهمیت داشتن به لحاظ مذهبی در سال ۱۰۳۸ ه.ق با توجه به‌قرار داشتن در محل تقاطع جاده‌های کاروان‌رو یکی از مهم‌ترین مراکز بازرگانی ایران گردید. بازار در بخش مرکزی شهر به‌صورت جزیره‌ای که اطراف آن را شبکه‌ای از پیاده‌روها احاطه کرده به ادامه حیات خود می‌پردازد. اصناف مختلف به شکل متمرکز در آن جای دارند و از نوعی سلسله‌مراتب نیز برخوردارند.

این بازار از شاخص فرهنگی همچون درون‌گرایی برخوردار بوده که فرد را به درون خود می‌کشاند و در ساختار آن از بیهودگی و اتلاف پرهیز شده است (رجبی، ۱۳۸۶، ۱۷۴). بازار اردبیل نیز از شاخصه‌های فرهنگی تبعیت کرده است.



شکل ۴ - نمای داخلی بازار اردبیل

تبیین فرهنگی تصورات و معنای شهر

شهر تنها متشکل از کالبد و فعالیت و کنش‌های انسانی نیست بلکه حاوی معانی و روایت‌های خاص خودش هم می‌باشد. از این نظر می‌توان گفت شهر دارای زبان است که با آن معانی‌اش را انتقال می‌دهد و روایت‌هایش را بیان می‌کند. پس شهرها دالی هستند که به مدلول‌های خود دلالت می‌کنند (دیویز، ۱۳۹۵: ۴۶). ساختمان‌های شهر خوانش می‌شوند و مهم‌ترین ساختمان اردبیل که دلالت بر شهر بودن، قدمت، اهمیت و مرکزیت اداری-سیاسی آن در آذربایجان داشت، مسجد جمعه است. مسجد جمعه اردبیل، دلالت و سند تاریخی شهر اردبیل است. تاریخ و روایت‌های آن گویای سرگذشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اردبیل است.

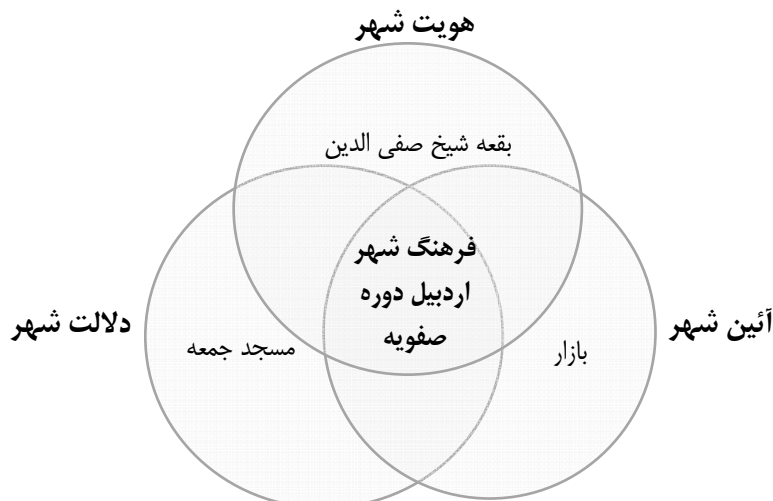
یکی از عناصر مهم تأثیرگذار بر ذهنیت ساکنان شهر اردبیل که تحت تأثیر فرهنگ دوره صفویه شکل گرفت، مسجد جمعه است. مسجد جامع نقطه‌ای مرکزی در شهر اسلامی به شمار می‌آمد که نه فقط امر قدسی در آن انجام می‌گرفت، بلکه محلی برای تعاملات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز بود. نزدیکی مسجد به بازار، حتی آن را به عامل انتظام بخش اقتصاد نیز تبدیل می‌نمود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی مؤلفه‌های فرهنگی و تأثیر آن بر شکل‌گیری شهرها با مطالعه موردی شهر اردبیل در دوره صفویه انجام شد. در این راستا به بررسی تأثیر فرهنگ بر شکل‌گیری شهرها با توجه به مؤلفه‌های مکان پرداخته شد. نتایج پژوهش در بخش نظری بیانگر آن است که فرهنگ در شکل‌پذیری شهر و نقش یابی مکان‌ها تأثیرگذار است. درواقع فرهنگ‌های گوناگون مکان‌های خاص خود را می‌سازند و کارکردهایی متناسب به آن می‌بخشند. مهم‌ترین مؤلفه کالبدی دوران صفویه در شهر اردبیل، بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است. این بنا اصلی‌ترین شاخصه تأثیرگذار بر شکل کالبدی شهر در دوره صفویه بوده و به دلیل توجه خاص حکومت به هنر و معماری و گرایش تشیع و گسترش اعتقادات شیعی به مکانی هویت‌بخش به شهر تبدیل گردید.

مجموعه بازار تاریخی اردبیل نیز یکی از قطب‌های مهم بافت کهن شهر اردبیل است. این بنا به‌عنوان مرکز اقتصادی شهر بوده و دارای قوانین و مقررات خاص به خود بوده است. این قوانین و مقررات خاص، آیین حسبه بود که مدیریت شهر و بازار را انسجام می‌بخشد.

از عناصر کالبدی مهم که در دوره صفویه ذهنیت مردم را نسبت به مشروعیت حکومت شکل داده مسجد جمعه است. مسجد جمعه مکان مقدسی است که علاوه بر این که شریعت را در میان مردم بسط می‌داد، محلی برای تعاملات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز بود و با توجه به قدمت و اهمیت آن، دلالت شهر را نمایندگی می‌نمود. در شکل ۵، مدل مفهومی مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر اردبیل در دوران صفویه که بر اساس مدل مفهوم مکان کانتر تبیین شده، ارائه گردیده است.



شکل ۵ - مدل مفهومی مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر شکل شهر اردبیل در دوران صفویه
مأخذ: نگارندگان

پی‌نوشت‌ها

۱. سرچشمه آب در یکی از مرتفعات جنوب‌غربی شهر به نام قره‌بایی (۱۰ کیلومتری اردبیل) قرار داشت و آب از آنجا از طریق لوله‌های سفالی (تنبوشه) به قطر ۳۰ سانتی‌متر وارد شهر می‌شود. این امر بر اساس قوانین ظروف مرتبته، توسط منبع آبی که در محله شیخ صفی به نام «اهل ایمان» یا «اهلمان» (به نام محلی) قرار داشت صورت می‌پذیرفت و از این محله که از ارتفاع نسبتاً بیشتری برخوردار بود به منابع دیگر در محلات دیگر هدایت می‌شود و سپس به دیگر نقاط شهری توسط کانال‌ها و لوله‌کش‌ها آبرسانی می‌شد. آب این قناب و چشمه موجود در جلوی مسجد عالی‌قاپو تا سال ۱۳۱۶ ه.ش جاری بود. آب آن به مصرف شرب کسانی می‌رسید که در بقعه شیخ صفی اطعام می‌شدند.
۲. در زمان وی به‌منظور حفظ و نگهداری اشیاء باارزش بقعه، بنای چینی‌خانه احداث گردید. به‌جز آن، در زمان صفویان علاوه بر انجام تعمیراتی در بنای بقعه شیخ صفی قسمت‌های مختلفی نیز به آن اضافه گردید. از آن جمله می‌توان به سر در زیبای بقعه شیخ صفی اشاره کرد که زیر نظر اسماعیل نقاش اردبیلی به اتمام رسید.

منابع

۱. بلیکی، نورمن (۱۳۹۲). استراتژی‌های پژوهش اجتماعی، مترجم: هاشم آقا بیگ پوری، نشر جامعه‌شناسان، تهران.
۲. بونویترز، پاتریس (۱۳۹۱). درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو، مترجم: جهانگیر جهانگیری و حسن‌پور سفیر، نشر آگه، تهران.
۳. به‌آذین، داریوش (۱۳۸۲). اردبیل (از ایران چه می‌دانم؟/۲۹)، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۴. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی شهری، پیام نور، تهران، چاپ نهم.
۵. جامعی، بیوک (۱۳۷۲). آثار و ابنیه تاریخی اردبیل، انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. حبیب، فرشته (۱۳۸۸). تحلیلی از تعامل فرهنگ و کالبد شهر، نمونه‌موردی: اصفهان - صفویه، هویت شهر، سال ۳، شماره ۴، صص: ۸۳-۹۴.

۷. حبیب، فرح؛ نادری، سید مجید، و فروزانگر، حمیده (۱۳۸۷). پرسیمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت (کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر)، نشریه هویت شهر، سال ۲، شماره ۳.
۸. حبیبی، سید محسن، و حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷). صور خیال مکتب شهرسازی اصفهانی در نگاره‌ها، گلستان هنر-شماره ۱۴.
۹. دانشپور، عبدالهادی، و روستا، مریم (۱۳۹۱). خوانش ساختار شهر؛ گامی به سوی شکل‌شناسی شهری، انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۴، صص: ۴۵-۵۴.
۱۰. دانشپور، عبدالهادی؛ رضازاده، راضیه؛ سجودی، فرزانه، و محمدی، مریم (۱۳۹۲). بررسی کارکرد و معنای فرم شهر مدرن از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۱۱، صص: ۷۱-۸۷.
۱۱. دیویز، کالن (۱۳۹۵). تأملی بر معماری: درآمدی بر نظریه معماری، مترجم: مرضیه آزاد ارمکی، نشر علم، تهران.
۱۲. رجیبی، آریتا (۱۳۸۶). ریخت‌شناسی بازار، آگاه، تهران، چاپ اول.
۱۳. رحیمی، سید محمد؛ پیرزاده گرمه چشمه، وحید؛ صفائی، صابر، و داوری، سمیه (۱۳۹۳). تأثیر فرهنگ در شکل‌گیری فضاهای شهری اردبیل، همایش ملی شهرسازی فرهنگ گرا، دانشگاه شیخ بهایی، صص: ۱-۱۲.
۱۴. رضازاده اردبیلی، مجتبی، و پیغامی، لیلا (۱۳۸۸). رهیافتی حاصل از شناخت شهر سنتی به منظور ارائه الگوی مداخله در بافت (مطالعه موردی: اردبیل)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۸، صص: ۷۳-۸۴.
۱۵. رضوانی، محمدرضا، و احمدی، علی (۱۳۸۸). مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی، نامه پژوهش فرهنگی، سال ۱۰، دوره ۳، شماره ۶، صص: ۴۵-۶۸.
۱۶. زیاری، کرامت اله (۱۳۸۲). تأثیر فرهنگ در ساخت شهر (با تأکید بر فرهنگ اسلامی)، جغرافیا و توسعه، صص: ۹۵-۱۰۸.
۱۷. شاه محمدردیلی، رحمان (۱۳۹۵). از ارته ویل تا اردبیل (بازشناسی قدیمی‌ترین اسناد تصویری اردبیل از دیرباز تاکنون)، جلد ۱، انتشارات مکارمی.
۱۸. صفری، بابا (۱۳۷۰). اردبیل در گذرگاه تاریخ، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل.
۱۹. عزیزخانی، احمد (۱۳۸۷). مفهوم کنش و ساختار در نظریه ساختاری شدن (با تأکید بر تحولات ایالات متحده آمریکا)، انسان پژوهی دینی، سال ۵، شماره ۱۷، صص: ۱۹۵-۲۱۳.
۲۰. فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۳). تاریخ فرهنگی ایران مدرن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۱. فاضلی، نعمت الله (۱۳۹۴). فرهنگ شهر، چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری، انتشارات تیسرا.
۲۲. ماجدی، حمید، و سعیده زرابادی، زهرا سادات (۱۳۸۹). جستاری در نشانه‌شناسی شهری، مجله علمی پژوهشی آرمان‌شهر، شماره ۴، صص: ۴۹-۵۶.
۲۳. مصلح، علی‌اصغر (۱۳۹۲). ادراک اعتباری علامه طباطبایی (ره) و فلسفه فرهنگ، موسسه هنری پگاه روزگار نو.
۲۴. نقی زاده، محمد (۱۳۸۳). بارزهای شهر و معماری اسلامی، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۲۶ و ۲۷، صص: ۴۳-۷۴.
۲۵. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۱). تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی، هنرهای زیبا، شماره ۱۱، صص: ۶۲-۷۶.
۲۶. نقی‌زاده، محمد، زمانی، بهادر، و کرمی، اسلام (۱۳۸۹). ملاحظات فرهنگی در شکل‌دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی، هویت شهر، سال ۵، شماره ۷، صص: ۶۱-۷۴.
۲۷. ویور، ام‌ای (۱۳۵۶). بررسی مقدماتی درباره مسائل حفاظتی پنج بنای تاریخی ایران (۱). بقعه شیخ صفی‌الدین، ۲. مسجد جامع قروه، ۳. مسجد وکیل شیراز، ۴. مسجد خان شیراز، ۵. مسجد نو شیراز، مترجم: کرامت الله افسر، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، تهران.
۲۸. هال، استیونرت (۱۳۹۱). معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه: احمد گل محمدی، نشر نی، تهران.
۲۹. یزدانی، مجید (۱۳۸۹). سیری در معماری غرب، انتشارات کتابدار توس، اب اول، مشهد.
30. Bhaskar, R.A., 1998, *The Possibility of Naturalism*, (3rd edition), Routledge, London.
31. Bramley, G., & Kirk, K., 2005, Does planning make a difference to urban form? Recent evidence from Central Scotland. *Environment and Planning A*, 37(2), 355-378.
32. Canter, D., 1977, *The Psychology of Place*, London: Architectural Press.

33. Fatani, K., Mohamed, M., & Al-Khateeb, S., 2017, Sustainable Socio-cultural Guidelines for Neighborhood Design in Jeddah. *Procedia Environmental Sciences*, 37, 584-593.
34. Rapoport, A., 1997, *Human Aspects of Urban Form*, Pergamon Press, New York.
35. Relph, E., 1976, *Place and Placelessness*, Pion Limited, London.